

ماجرای اعدام امام خمینی چه بود

۱۳ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۴۸

هرچند شاه در رأس هرم قدرت عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری درباره چگونگی برخورد با تظاهرکنندگان بود، اما در این میان نقش کلیدی را در سرکوب تظاهرکنندگان شخص اسدالله علم نخست‌وزیر بر عهده داشت

شاه در ششم خرداد ۱۳۴۲ طی نطقی در کرمان روحانیون را به دزدان، غارتگران و حیوانات نجس تشبیه کرد. امام خمینی در ۱۳ خرداد، شاه را مورد حمله قرار داد و انقلاب سفید وی را، انقلاب سیاه خواند.

در پی این سخنرانی اسدالله علم دستور داد مراسم مذهبی و سوگواری محرم را در شهرهای قم و تهران مورد تهاجم قرار دهند. طی روزهای ۱۳ و ۱۴ خرداد ۱۳۴۲ تعداد زیادی از وعاظ و روحانیون را دستگیر کردند. برخی از دستگیرشدگان عبارت بودند از: مرتضی مطهری، مکارم شیرازی، حسین غفاری، محمد تقی‌واحدی، مصطفی طباطبائی قمی، عباسعلی اسلامی، حسین خندق‌آبادی، عزالدین زنجانی، علی‌اصغر اعتمادزاده، عبدالکریم هاشمی‌نژاد، فرج‌الله واعظی، احمد حسینی همدانی، علی موحد ساوجی، محمدحسن بکایی، عیسی اهری، اثنی‌عشری و سیدمحمد صدری.

به دنبال دستگیری این افراد دامنه اعتراض و تظاهرات گسترش بیشتری یافت بالاخص در تهران دانشجویان دانشگاه تهران به صف معارضان پیوسته و در مخالفت با دولت علم و رژیم پهلوی با روحانیون هم صدا شدند. بدین ترتیب طی روز چهاردهم خرداد، که مصادف با ۱۱ محرم ۱۳۸۳ ق بود. در شهر تهران تظاهرات قابل توجهی از اقشار مختلف برپا شد و شعارهایی به طرفداری از امام خمینی و موضع وی در قبال دولت علم از سوی راهپیمایان سر داده شد. اسدالله علم نخست‌وزیر احساس کرد که برای جلوگیری از تظاهرات تنها یک راه حل وجود دارد و آن هم دستگیری رهبر مخالفان است. بدین ترتیب به دستور نخست‌وزیر در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ کماندوها و دیگر نیروهای انتظامی مناطق مختلف شهر قم را محاصره کرده و در صبحگاه همان روز امام خمینی را دستگیر و به تهران بردند و در پادگان قصر زندانی ساختند.

خبر دستگیری امام در مدتی اندک در سراسر شهر قم پخش شد و به دنبال آن گروه‌های نسبتاً عظیمی از مردم به خیابان‌ها ریخته و به دستگیری ایشان اعتراض کردند. بدین ترتیب قیام معروف ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در شهر قم شکل گرفت. در تهران نیز بلافاصله پس از پخش خبر دستگیری امام خمینی اقشار مختلف مردم به خیابان‌ها هجوم آورده و شعارهایی له ایشان و بر ضد

دولت سر دادند و برخی مراکز دولتی نیز مورد تهاجم تظاهرکنندگان قرار گرفت. بدین ترتیب تهران نیز در قیام ضد رژیم با شهر قم همگام شد. در چنین شرایطی علم تنها راه برخورد با بحران پیش آمده را در سرکوب قهرآمیز آن جستجو کرد. بالاخص اینکه شورش فوق به حدی گسترده شده بود که احساس می شد هرگاه در اسرع وقت با آن مقابله نشود، می تواند خطر سقوط رژیم را هم به دنبال داشته باشد.

علینقی عالیخانی درباره چگونگی برخورد اسدالله علم نخست وزیر با تظاهرکنندگان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ می نویسد:

«علم در روزهای حساس قیام ۱۵ خرداد فعالیت خستگی ناپذیری داشت و با مقام های انتظامی پیوسته در تماس بود و خود از کلانتری های مناطق حساس شهر سرکشی می کرد و به همه مسئولان هشدار می داد خود را برای رویارویی با آشوبی بزرگ آماده کنند. به این سان هنگامیکه در بامداد روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تظاهرات در اطراف بازار تهران آغاز شد علم آمادگی کامل داشت و به رئیس شهربانی وقت سپهبد نصیری تلفنی دستور تیراندازی داد و در برابر تردید نصیری یادآور شد که این دستور را به عنوان نخست وزیر می دهد و نامه مؤید این دستور را نیز بی درنگ برای او خواهد فرستاد. خود نیز پس از ساعتی به دفتر نصیری رفت و از نزدیک شاهد وضع روز بود. با این خونسردی و قاطعیت علم مسئولان انتظامی توانستند در چند ساعت به این غائله پایان دهند و تظاهرکنندگان را به شدت سرکوب کنند.» (۱)

خود اسدالله علم نیز حدود ده سال پس از واقعه ۱۵ خرداد ۴۲، در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۲، ضمن یادآوری خاطرات دوران نخست وزیری خود، جریان چگونگی برخوردش با تظاهرکنندگان را چنین شرح می دهد:

«عرض کردم در جریانات ۱۵ خرداد و اغتشاش تهران و ایران که غلام نخست وزیر بودم جز ارتشبد نصیری که آن وقت رئیس شهربانی بود بقیه تقریباً دست و پای خود را گم کرده بودند و بدین جهت من ناچار شدم نخست وزیری را ترک کرده و تقریباً تمام روز را در شهربانی در ستاد عملیات باشم که اینها دستپاچه نشوند. [شاه] فرمودند: من هم در آن موقع ناچار شدم چندین دفعه به شدت به او ایسی که آن وقت فرمانده گارد بود بگویم مجبورید تیراندازی کنید. عرض کردم از نخست وزیری دستور کتبی هم گرفتند و باز هم ترسیدند و دائماً به من می گفتند باید دید ریشه این کار کجاست. در صورتی که نظامی هیچ لازم نیست که ریشه کار را جستجو کند.» (۲)

هرچند شاه در رأس هرم قدرت عالی ترین مرجع تصمیم گیری درباره چگونگی برخورد با تظاهرکنندگان بود، اما در این میان نقش کلیدی را در سرکوب تظاهرکنندگان شخص اسدالله علم نخست وزیر بر عهده داشت. شاه هر چند تردیدی نداشت که باید به مخالفت روحانیون به نوعی پایان داده شود، و حتی گفته شده است که شاه به عنوان فرمانده کل نیروهای نظامی شخصاً فرماندهی عملیات را بر عهده داشته و افرادی نظیر سرلشکر پاکروان تحت دستورات مستقیم شاه قیام ۱۵ خرداد را سرکوب کرده اند، اما این نظر، با توجه به ویژگی های شخصی شاه، از سوی اغلب محققین مورد تردید واقع شده و نقش اصلی سرکوبگری به اسدالله علم نخست وزیر نسبت داده شده است. با توجه به شواهد و قرائن نسبتاً فراوان نظر اخیر درست تر می نماید و علم نخست وزیر را باید

سرکوبگر تظاهرات روزهای قیام ۱۵ خرداد دانست. داریوش همایون، که خود سالها در دوران محمدرضا شاه از دولتمردان عالی مقام کشور محسوب می‌شد، نقش قاطع علم در پایان دادن به قیام ۱۵ خرداد را مورد تصدیق قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که هرگاه در آن هنگام ثبات و قاطعیت شخص اسدالله علم نبود چه بسا رژیم پهلوی با خطر سقوط مواجه می‌شد. (۳)

ویلیام شوکراس نیز به نقل از جعفر بهبهانیان متصدی امور مالی شاه مسئول اصلی کشتار قیام ۱۵ خرداد را اسدالله علم می‌داند و می‌نویسد:

«جعفر بهبهانیان متصدی امور مالی شاه به هنگام اغتشاشات ۱۹۶۳ در کنار علم بود بعدها تعریف کرد که شاه به علم گفته بود مردم را نکشد. علم پاسخ داده بود شما شاه هستید و من نخست‌وزیرم. من مسئول امنیت هستم و به هر طریقی که بتوانم مردم را ساکت خواهم کرد. اگر موفق شدم شما همچنان شاه خواهید بود. اگر شکست بخورم می‌توانید مرا به دار بزنید و باز همچنان شاه خواهید بود.»

حتی گفته می‌شد اسدالله علم به شاه توصیه کرده بود که جهت انتقام کشی سخت از روحانیون اجازه دهد آیت‌الله خمینی رهبر قیام ۱۵ خرداد را نیز بلافاصله پس از دستگیری اعدام کند (۴)

اسدالله علم همچنین برای مرعوب ساختن مخالفین طی مصاحبه‌ای از احتمال اعدام حضرت آیت‌الله خمینی در چند روز آینده خبر داده بود. به همین دلیل رهبران روحانی مانند شریعتمداری و مرعشی‌نجفی که از این مصاحبه اسدالله علم سخت تکان خورده بودند تلاش گسترده‌ای صورت دادند تا با تأسی به مجامع بین‌المللی و جهانی فجایی را که در فضای سیاسی - اجتماعی ایران حاکم بود به گوش جهانیان برسانند و اسباب استخلاص ایشان را فراهم سازند.

آنتونی پارسونز آخرین سفیر انگلیس در ایران دوره پهلوی که خود دوستی بسیار نزدیکی با اسدالله علم داشت در خاطراتش از علم به عنوان مسئول اصلی سرکوب قیام ۱۵ خرداد نام می‌برد و می‌نویسد: «... علم شخصاً دستور تیراندازی به طرف مردم را صادر کرده بود و خود او در سال ۱۹۷۵ ضمن صحبت درباره حوادث آن زمان ضمن اعتراف به این مطلب گفت: من چاره‌ای جز این کار نداشتم ... اعلیحضرت خیلی رقیق القلب هستند و از خونریزی خوششان نمی‌آید.» (۵)

از جمله کسانی که در واقعه ۱۵ خرداد از عوامل موثر رژیم در سرکوب تظاهرات مردمی بود باید از سپهبد خسروانی نام برد. وی در باره نقش کلیدی اسدالله علم در برخورد قهرآمیز با تظاهرکنندگان ضد رژیم می‌گوید:

«...حقیقت این است که در جریان ۱۵ خرداد این علم بود که محکم ایستاد و به شهربانی رفت و با تلفن دستور داد که به هیچ وجه نترسید و شورشین را سرکوب کنید و ما هم با قاطعیت اقدام کردیم و حتی خرابکاران را که از ورامین و جنوب شهر راه افتاده بودند و در میدان ارگ در حال تصرف رادیو بودند افراد ژاندارمری آنها را به شدت سرکوب کردند...»

یکی از کسانی که در دوران نخست وزیری اسد الله علم از نزدیکان وی بود و نخواست به نامش فاش شود بعدها طی گفتگویی با مصطفی الموتی در لندن خاطرنشان ساخت که « علت اصلی قاطعیت علم در سرکوبی قیام ۱۵ خرداد حمایت قابل ملاحظه ای بود که هر دو کشور انگلیس و آمریکا از اقدام وی به عمل آورده بودند . وی خود شاهد بوده که ساعاتی قبل از آغاز عملیات اسدالله علم ، نخست وزیر تماسهای متعددی با سفارتخانه ها و نمایندگی های سیاسی دو کشور انگلیس و آمریکا برقرار کرده و نظر آن کشورها را در باره چگونگی برخورد با تظاهر کنندگان و مخالفان رژیم پهلوی جویا شده بود و پس از تایید عملیات از سوی آن کشورها اسدالله علم در به خون کشیدن مخالفان رژیم تردیدی به خود راه نداده بود. » (۶)

اسد الله علم چند سال پس از کشتار ۱۵ خرداد اقدام خود را با عمل رضاشاه در رفع اجباری حجاب مقایسه کرد و هردو اقدام فوق را برای پیشرفت کشور حیاتی شمرد:

«...خاطرم آمد در همین صحن امام رضا سربازان رضاشاه مردم را که علیه رفع حجاب و متحدالشکل شدن لباس تظاهرات می کردند به مسلسل بستند و ۲۰۰ نفر کشته شدن. در سال ۱۳۱۴. حالا این مسائل فراموش شده و حتی عمل رضاشاه هم بخشیده شده است. زیرا حالا همه می فهمند که او این عمل را برای کشور کرد نه برای خودش. شاید دو هزار نفر کشته می شدند ، چه اهمیت داشت؟ همان تصمیمی که من در ۱۵ خرداد گرفتم. هنگامی که نخست وزیر بودم. آن وقت بیش از ۹۰ نفر کشته نشدند ولی اگر بیشتر هم کشته می شدند جهت وجود و عدم وجود کشور بود. من تصمیم خود را گرفته بودم...» (۷)

اسدالله علم نخست وزیر بلافاصله پس از کشتار ۱۵ خرداد طی مصاحبه هایی با مطبوعات خارجی از شدت عمل بیشتر دولت در رابطه با روحانیون و رهبران مخالف دولت خبر داد و آنان را به اقدامات ضد مردمی متهم کرد :

«...نخست وزیر اسد الله علم امروز گفت پانزده نفر از بزرگترین پیشوایان مذهبی که در آشوب ضد دولتی این هفته در شهرهای مختلف دست داشته اند، تسلیم محکمه ی نظامی خواهند شد و محکمه ی نظامی ممکن است معنی مجازات اعدام را داشته باشد. آقای اسدالله علم گفته است که در نتیجه تیر اندازی مأمورین در حدود بیست نفر کشته شده اند. نخست وزیر اضافه کرد که بعضی از سران آشوب گران مخفی شده اند ولی ما رؤسای آنها را دستگیر کرده ایم...» (۸)

پی نوشت ها:

۱ - اسدالله علم، یادداشتهای علم، جلد اول، صص ۴۸ - ۴۹.

۲ - اسدالله علم، پیشین، جلد سوم، ص ۲۷۶.

۳ - ع. باقی، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، قم، نشر تفکر، ۱۳۷۲، ص ۳۳۵.

۴ - ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ دوم، تهران، نشر البرز، ۱۳۶۹، ص ۱۳۴.

۵ - آنتونی پارسونز و ویلیام سولیوان، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، چاپ دوم، تهران: نشر علم، ۱۳۷۳، ص ۲۹۳

۶ - مصطفی الموتی ، ایران در عصر پهلوی ، جلد ۱۱ ، ص ۴۵۶

۷ - اسدالله علم ، پیشین ، جلد اول ، ص ۲۰۶

۸ - علی دوانی ، نهضت روحانیون ایران ، جلد چهارم ، ص ۱۷۷

منبع: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۵۸۲/خیمینی-امام-اعدام-ماجرای>